

نمی‌دانیم زیر پوست اقتصاد

چه خبر است

محسن رزانی یکی از اقتصاددانان ایرانی است که به طور مشخص روی موضوع اقتصاد سایه کار کرده است. رزانی دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان و نویسنده کتاب «بازار یا نابازار؟» است.

-لطفاً کنید در آغاز تعریفی از اقتصاد سایه در زیرزمینی ارائه بدهید.

اصولاً یکی از مشکلاتی که بیشتر اقتصادهای جهان سوم و در حال توسعه با آن درگیر هستند، وجود فعالیت‌های خارج از سیستم رسمی است که با علوین و مفاهیمی چون بخش غیررسمی، اقتصاد غیررسمی، اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد پنهان، اقتصاد غیرقانونی، اقتصاد سایه، اقتصاد سیاه و نظایر اینها بیان می‌شوند.البته این مفاهیم همپوشانی دارند اما هر کدام ناظر بر نوع خاصی از این دو ویژگی را داشته باشند. یا غیرقابل مشاهده هستند و اصولاً در آمارهای رسمی کشور منعکس نمی‌شوند، یا غیرقابل نظارت هستند یعنی دولت نمی‌تواند سیاست‌های نظارتی خود را بر آنها اعمال کند. در واقع فعالیت‌هایی را که به علت ماهیت فناوری آنها، به علت ایجاد بنگاه، مثلاً کوچک‌مقیاس بودن و نظایر اینها، انعطاف‌پذیری بالایی در پنهان سازی خود و گریز از نظارت دولت و در فرار از تمکین به سیاست‌های دولت دارند.تحت عنوان فعالیت‌های غیررسمی یا اقتصاد زیرزمینی می‌آوریم.دقت کنید نمی‌گوییم فعالیت‌های غیرقانونی.فعلاً فعالیت‌های غیرقانونی مثل قاچاق را از تحلیل حذف می‌کنیم.همچنین فعلاً لازم نیست تفاوت‌های فنی اقتصاد زیرزمینی و سایه و غیررسمی را بیان کنیم چون همه اینها پیامدهای یکسانی برای اقتصاد دارند. ما فقط فعالیت‌های غیرقانونی مثل قاچاق را از بحث خود خارج می‌کنیم. پس هر گاه من به بخش غیررسمی اشاره می‌کنم منظورم همه انواع فعالیت‌هایی است که گرچه تولید، توزیع و مصرف کالاهای تولیدی آنها قانونی است اما این فعالیت‌ها یا قابل مشاهده نیستند یا از دید دولت قابل نظارت نیستند.

-فرض کنیم برخی فعالیت‌ها، مثل فعالیت یک واحد تولیدی پوشاک که در زیرزمین خانهای فعالیت می‌کند، غیر قابل مشاهده باشند، این وضعیت چه مشکلی برای اقتصاد ملی دارد؟

بیبیند نکته اول این است که معمولاً اندازه و نوع این فعالیت‌ها در حساب‌های ملی و آمارهای کلان اقتصادی نمی‌آید و ذکر نمی‌شود بنابراین برآوردهای ما از وضعیت اقتصادی‌مان دقیق نخواهد بود و به تبع آن سیاست‌های ما برای اقتصاد نیز دقیق نخواهد بود و به همین علت گاهی سیاست‌هایمان شکست می‌خورد چون نمی‌دانیم زیر پوست اقتصاد چه خبر است. اما مساله اصلی این نیست که این گونه فعالیت‌ها در حساب‌های ملی درج نمی‌شوند.مساله اصلی و مهم‌تر این است که وجود چنین فعالیت‌هایی به این معنی است که بخش‌هایی از اقتصاد می‌توانند از سیاست‌گذاری و از نظارت دولت پنهان شوند و بگریزند مثلاً مالیات نپردازند،استانداردهای کلایی، بهداشتی، کیفی و فنی را رعایت نکنند یا از قوانین بیمه یا قانون کار بگریزند. پس مساله اصلی، انعطاف‌پذیری آنها و توانایی گریز آنهاست که خیلی ساده امکان نظارت و مدیریت فعالیت‌ها را از نهادهای عمومی می‌ستاند و مدیریت اقتصاد را با تا کارایی رو به رو می‌کند.

-می‌توان پرسید که چه اشکالی دارد که یکسری فعالیت‌ها را دولت نتواند نظارت کند یا نتواند از آنها مالیات بستاند. این مساله چه اثری بر عملکرد کلان اقتصادی کشور دارد؟
مساله این جاست که وقتی بخش‌هایی از اقتصاد بتوانند به صورت پنهان فعالیت کنند عملاً خودشان را از فشار رقابت بازارهای رسمی خارج می‌کنند چون دیگر لازم نیست بسیاری از هزینه‌هایی را که به فعالیت‌های رسمی تحمیل می‌شود بپردازند. مثلاً دیگر لازم نیست انواع استانداردهای کیفی، کلایی، بهداشتی و فنی را رعایت کنند. کاهش سطح استانداردها باعث می‌شود قدرت رقابتی فعالیت‌های غیررسمی در بازارهای رسمی کم شود و آنها عرضه کالاهای خود را به بازارهای غیررسمی محدود کنند. نتیجه این می‌شود که انگیزه از ارتقای فناوری، بهبود کیفیت و نظایر اینها در این فعالیت‌ها از دست می‌رود و چنین می‌شود که در بلندمدت بهبود آنها هم محتمل می‌نماند و مدیریت اقتصاد را با تا کارایی رو به رو می‌کند.

غیررسمی بودن نمی‌تواند نتیجه این شود که انگیزه از ارتقای فناوری، بهبود

مالی لازم را برای توسعه خود فراهم کنند. پس به بازارهای مالی غیررسمی که مقیاس آنها کوچک است روی می‌آورند

یا نیازهای مالی خود را از طریق قرض‌های دوستانه، از طریق

شرکا یا از طریق اعضای خانواده یا سودهای اندک بنگاه نامین

می‌کنند. روشن است که این گونه تامین مالی‌ها نمی‌تواند

منابع مالی زیادی برای بنگاه فراهم آورد. در این صورت این

فعالیت‌ها نمی‌توانند از فناوری‌های بزرگ مقیاس یا پیشرفته استفاده کنند. بنابراین تولیدات

آنها همواره از نظر کیفیت، پایین و زیر سطح استاندارد است. به همین علت در بازارهای رسمی

داخلی و مهم‌تر از آن در بازار جهانی رقابت پیدا نمی‌کنند.

-آیا این گونه فعالیت‌ها نقش مثبتی هم دارند؟

البته صرف حضور آنها نشانگر آن است که عمده این گونه فعالیت‌ها منافع بخش‌هایی از جامعه را از اعم از تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان- تامین می‌کنند. از این گذشته، نقش مهم اقتصاد کلانی این است که در اقتصادهای مثل ما که با رزدهای مزمن دست به گریبند این گسترش فعالیت‌های غیررسمی موجب افزایش حجم اشتغال و کاهش نرخ بیکاری می‌شود.مزیت فعالیت‌های غیررسمی این است که با سرمایه‌های اندک می‌توانند اشتغال ایجاد کنند، به ویژه اشتغال‌های خواروار، اشتغال برای نیروی کار محلی یا نیروی کار غیرمهار. **-در این صورت با توجه به کمکی که فعالیت‌های غیررسمی برای اشتغال زایی دارند چه اشکالی دارد که اجازه دهیم گسترش یابند و حتی گسترش آنها را تشویق کنیم؟ آیا لازم است که با گسترش آنها مبارزه شود؟**

اگر اقتصاد در شرایطی بود که ضرورتی نداشت به زودی به اقتصاد جهانی بپیوندیم، شاید وجود گسترش این گونه فعالیت‌ها مساله‌ساز نبود. فقط برخی استانداردها رعایت نمی‌شد، یا به دولت مالیات پرداخت نمی‌شد که در کشوری مثل ایران که دولت درآمد نفت را دارد مشکلی پیش نمی‌آورد. اما مساله امروز اقتصاد ما این است که باید به اقتصاد جهانی بپیوندیم و برای این کار نیازمند این هستیم که استانداردهای تولیدی خود را بالا ببریم و فناوری‌های خود را بهبود بدهیم تا بتوانیم در بازارهای جهانی حضور یابیم. وقتی بخش بزرگی از اقتصاد را فعالیت‌های غیررسمی دربرگیرند، عملاً امکان ارتقای فناوری تولید، ارتقای استانداردها و حضور در بازارهای جهانی از دست می‌رود.همچنین در این فعالیت‌ها مقیاس بنگاه‌ها کوچک است. مقیاس کوچک یعنی سودآوری اندک و بانوائی در به کارگیری نیروی متخصص و فناوری سطح بالا و این به معنی کاهش امکان پیوستن به اقتصاد جهانی است.

-آیا بر آوردی از وضع و اندازه بخش غیررسمی یا اقتصاد سایه در ایران وجود دارد؟
ظاهراً در تمام سال‌های گذشته، بخش غیررسمی در ایران در حال گسترش بوده است. گرچه برآوردهای منظمی از روند گسترش این بخش در اقتصاد ایران در سال‌های گذشته وجود ندارد، و بیشتر برآوردها در زمان‌های اخیر انجام شده است، اما همین برآوردهای اخیر نشان می‌دهد که بخش این بخش در اقتصاد ایران نسبتاً بالاست. مطالعات مختلف به طور میانگین سهمی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد اشتغال در اقتصاد ایران را از نوع اشتغال غیررسمی برآورد می‌کند.دقت کنید این برآورد مربوط به اشتغال است از ارزش فعالیت‌های اقتصادی این بخش. روشن است که چون اشتغال در این بخش از این نیروی غیرمتخصص است معمولاً ارزش افزوده آن پایین‌تر از بخش رسمی است، اما در هر صورت نشانگر گسترش این بخش است. البته این سهم در بخش‌های مختلف اقتصادی متفاوت است. چنین سهم بالایی نمی‌تواند یکپاره اتفاق افتاده باشد و ظاهراً روند سهم این بخش در گذشته صعودی بوده است. ضمن اینکه مطالعاتی که خود بنده برای دوره ۷۶ تا ۸۴ انجام داده‌ام حاکی از صعودی بودن روند سهم اشتغال در بخش غیررسمی بوده است. گرچه سهم آن بسیار کم نیست. البته این سهم در فعالیت‌های اقتصادی یا پیشرفته بسیار زیاد است و در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه نیز به طور نسبی بالاست. اگر به مطالعات سازمان بین‌المللی کار استناد کنیم، می‌بینیم نظیر چنین سهمی را

بیشتر در کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی می‌توانیم ببینیم.

-آیا چالش ایران در ارتباط با بالا بودن سهم فعالیت‌های غیر رسمی چیست و چه باید کرد؟

مساله این است که ما زمان زیادی برای حل و فصل ساختارهای معیوب و مزمن خود نداریم. ما با ضرورت پیوستن به اقتصاد جهانی مواجهیم و هر روز که این اقدام به تأخیر بیفتد فرصت‌های ما محدودتر می‌شود. بنابراین اول باید تکلیف و تصمیم خود را با مساله ادغام در اقتصاد جهانی روشن کنیم و اگر تصمیم ما برای این کار قطعی است که البته چاره‌ای جز این نداریم، باید مقدمات آن را آماده کنیم که یکی از آن مقدمات همین یافتن راهی برای مدیریت این معضل یعنی غیررسمی بودن بخش‌هایی از اقتصاد ایران است. بنابراین یکی از اقدامات جدی ما باید ساماندهی فعالیت‌های غیررسمی باشد. دقت کنید می‌گوییم ساماندهی و مدیریت، نمی‌گوییم نابودی اصولاً یکی از اشکالات نظام مدیریت کلان در کشور ما این است که بسیاری از معضلات اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی را می‌خواهند با مبارزه حل کنند. در حالی که عرصه‌های تصمیم و اقدام عمومی، عرصه مدیریت است نه عرصه مبارزه. تصریح می‌کنم از نگاه مدیریت کلان حتی با مغفاد نباید مبارزه کرد بلکه باید آنها را مدیریت کرد. چون مبارزه اثر معکوس دارد اکنون مجال باز کردن این بحث نیست و امیدوارم بتوانم در مجال دیگری این نکته را مفصل شرح دهم. ولی در اینجا تنها اشاره کردم که بگوییم با مساله فعالیت‌های غیررسمی حتی مساله اعتیاد و قاچاق مواد مخدر نباید مبارزه کرد، بلکه باید مدیریت کرد و البته شرط اولیه هر نوع مدیریتی این است که ما اصل مساله و معضل را به رسمیت بشناسیم و به صدای بلند در موردش فکر کنیم و به صورت فراگیر در موردش گفت‌وگو کنیم.

سایه‌های شهر

ساعتی با زنان تعاونی ۱۳ آبان

مارا دریا بید



◀مریم بابایی

آدرس را نمی‌شناختم اما از دو رقم اول شماره تلفن مشخص بود که جنوب تهران است؛ خیابان شهید رجایی، کوی ۱۲ آبان، بعد از بازار روز، کوچه... حدود ساعت ۱۲ ظهر بود که زنگ خانه را زدم. خانمی با همان خوش‌برخوردی که قبلاً تلفنی قرار ملاقات گذاشته بودیم، در را باز کرد؛ خانه‌ای قدیمی اما تمیز و مرتب با حیاطی کوچک که کنار آن پر بود از دیگ‌ها و اجاق‌هایی بزرگ که مطمئناً برای دم گذاشتن برنج بود.

بر اساس تصور قبلی انتظار داشتم در آن ساعت از ظهر یا صحنه‌ای از انواع غذاهای خوشبو و رنگارنگ رو به رو شوم اما برخلاف تصور نه‌تنها هیچ بوی غذایی را استشمام نکردم بلکه کوچک‌ترین اثری هم از غذا نبود. تنها چهار تا خانم ۳۰ الی ۵۰ ساله با روپوش‌های سپید مشغول پاک کردن سبزی بودند. ظاهراً نیم‌ساعت قبل سفارشات غذا به مقصد فرستاده و همه جا تمیز و مرتب شده بود. البته به گفته خودشان خلوتی آنجا به این دلیل بود که پنجشنبه بود و پنجشنبه‌ها سفارش غذا کم و سرشان خلوت‌تر است.

فضای آشپزخانه کوچک‌تر از حد معمول بود.

نیمی از آن با اجاق گاز و یخچال پر شده بود. بیرون از آشپزخانه میزهای فلزی بزرگی برای کیشین و بسته‌بندی غذا بود و گوشه تنها اتاق آنجا پر بود از کیسه‌های برنجی که روی هر کدام با مایزیک نوشته بود «تازه» یا «که‌نیم». به گفته خودشان برنج‌ها برای مدت یک سال خریداری شده بود، برنامۀ کاری و سفارشات غذا روی تابلوی کنار سالن نصب شده بود. خرید این همه مواد غذایی شاید برای خانم‌هایی که گفته خودشان اعضای خانواده‌ها نهایت همکاری را با آنها دارند و هر موفقی که احتیاج به کمک باشد همراهی می‌کنند. از طرفی بازار ترابز نزدیک است و خرید کردن زیاد سخت نیست. مغازه‌های محل

نگاه

صدها میلیارد تومان در سایه

از یک منظر اقتصاد زیرزمینی یعنی هر فعالیت اقتصادی که یا برخلاف قوانین کشور صورت می‌گیرد، یا مالیات آن به دولت پرداخت نمی‌شود. مثلاً در ایران، فحشا اساساً یک فعالیت اقتصادی زیرزمینی است؛ قانوناً زانی‌رمجاز است اما همین فعالیت اگر در یک کشور اروپایی صورت بگیرد، تنها در صورت نپرداختن مالیات است که زیرزمینی شمرده می‌شود. به این ترتیب اگر این نگاه ساده را ملاک زیرزمینی بودن یا نبودن فعالیت‌های اقتصادی در نظر بگیریم، حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران و سهم آن در کل اقتصاد ملی، آن‌که بتوان عدد و رقم قطعی و مشخصی را ادعا کرد بسیار بالاست. این اقتصاد، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های غیرقانونی تا فعالیت‌های قانونی را که مالیات خود را نمی‌پردازند، دربر می‌گیرد. مشهورترین این فعالیت‌ها عبارت هستند از قاچاق کالا و ارز که احتمالاً سالانه سر به ۲۰ میلیارد دلار فقط در مبادی ورود و خروج مرزی می‌زند و با فعالیت‌های تبعی خود چندین برابر این رقم می‌شود، فحشا با همه ابعاد آن، تولید و توزیع مشروبات الکلی، قمار و شکل‌های متغوع خود، قاچاق و توزیع داخلی مواد مخدر، که ارزش اقتصادی آن‌ها به راستی قابل ارزیابی است و به تنهایی سر به میلیاردها دلار در سال می‌زدند...

ارزش افزوده حاصل از این گونه فعالیت‌ها در اقتصاد ایران به روشنی قابل ارزیابی نیست، اما به هر حال سهم آن چنان می‌تواند بالا باشد که مالیات ۲۵ درصدی فرضی حاصل از آن به صدها میلیارد تومان بالغ شود و دست‌کم از کل رقم مالیات پرداختی توسط اصناف کشور با همه سروصداي داخلی و بین‌المللی‌اش فراتر رود. فعالیت‌های اقتصادی که برخلاف موارد بالا هم قانونی هستند و هم شرعی، احتمالاً فرار مالیاتی به مراتب بیشتری دارند تا فعالیت‌های اقتصادی نوع نخست. به تبع آن، سهم این فعالیت‌ها در شکل دادن اقتصاد زیرزمینی هم به همین نسبت بزرگ‌تر است. مطابق برآوردهای بانک مرکزی که خود تقریبی و نسبتاً قابل اتکاست ارزش تولید ناخالص داخلی ایران ا‌سمال به حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان بالغ می‌شود. از این مقدار تولید ثروت سالانه در چارچوب مرزهای این انتظار می‌رود حدود ۲۳ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی کسب شود که حدود هفت درصد تولید ناخالص داخلی ایران است. این نسبت در یک کشور معمولی غیرنفتی بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است. به عبارت دیگر، حدود ۷۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی کشور هیچ مالیاتی نمی‌پردازند. از این ۷۰ درصد، بخش بزرگی متعلق است به آن دسته فعالیت‌هایی که رسماً از پرداخت مالیات معاف هستند؛ بخش کشاورزی، درآمدهای ناشی از سود بانکی، فعالیت‌های

سال پنجم ■ شماره ۱۰۲۷ ■ سه‌شنبه ۱۲ مرداد ۱۳۸۹

همه ما شاید ناخواسته درگیر فعالیت‌های اقتصادی شده‌ایم که به آن اقتصاد سایه یا اقتصاد زیرزمینی می‌گویند؛ هنگامی که به جای خرید از مغازه یا فروشگاه‌ها از دستفروشی در خیابان خرید کرده‌ایم یا وقتی در یک سفر کوتاه شهری مشتری فروشنده‌های مترو بوده‌ایم که تعدادشان کم نیست یا وقتی غذای خود را به جای سفارش از رستوران‌های شناخته‌شده از آشپزخانه‌های خانگی گرفته‌ایم. این روزها نمونه‌ای از این فعالیت‌های اقتصادی، که اگر چه ریشه‌ای اقتصادی دارند اما معضلی اجتماعی به حساب می‌آیند، کم نیست. در این اوضاع و احوال اقتصادی حتی در ساعت‌های پایانی شب هم شاهد



عکس کارآزان سبزیان

زنانی است که در جامعه ما با روندی آرام اما به طور گسترده در حال افزایش روزافزون است؛ زنانی که به نحوی هم سعی کرده‌اند گلیم خود را از آب بیرون بکشند و هم در این اوضاع و احوال اقتصادی کمک خرجی برای خانواده باشند.

این روزها نمونه این جور مشاغل خانگی زنان در گوشه و کنار تهران خصوصاً مناطق جنوبی کم نیست و هر کدام به نحوی در حال دست و پنجه نرم کردن با مشکلاتی هستند که چاره‌ای به غیر از روپارویی با آن ندارند. شاید آنها دل‌شان بیشتر از زنان آشپزخانه ۱۳ آبان پر باشد. اما هزینه‌های زندگی و نیاز به داشتن منبع درآمدی هر چند اندک برای گذران زندگی، چاره دیگری برایشان باقی نگذاشته است.

خانم‌ها گروه گروه در داخل خانه‌ها برای خود شغل و منبع درآمدی دست و پا کرده‌اند. درست در طبقه بالای ساختمانی که خانم‌ها مشغول آشپزی هستند خانم‌های دیگر مشغول کار عروسک‌سازی هستند. آنها هم به رغم وجود مشکلات زیاد همچنان به کارشان ادامه می‌دهند. اعضای تعاونی ۱۳ آبان ۱۰ سال پیش تحت نظر موسسه پژوهشی کودکان دکان وابسته به یونسف آموزش دیدند و همچنان خود را مدیون کلاس‌های آن دوره می‌دانند. برخلاف تصور ما در ابتدا، تعاونی زنان ۱۳ آبان در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۰ در دفتر ثبت شرکت‌ها ثبت شده و هر سال اظهارنامه مالیاتی پر می‌کند و مالیات می‌پردازد. تعاونی ۱۳ آبان تنها نمونه‌ای از فعالیت اقتصادی

برای اسباب‌کشی آماده‌کنند از ساختمانی صحبت می‌کنند که سال‌هاست بدون استفاده افتاده و شهرداری حاضر نیست حتی با پرداخت کرایه آن را به آنها واگذار کند. می‌گویند: «هر کاری که لازم بوده کرده‌ایم و بیش هر کسی که لازم بوده رفته‌ایم اما هر بار که به مرحله‌ای نزدیک شده‌ایم که کار تمام شود می‌گویند در فکر استفاده‌ای دیگر برای این ساختمان هستیم». با این وعده و وعیدها هشت سالی است که آن ساختمان بلااستفاده افتاده و زنان تعاونی ۱۳ آبان همچنان آشپزخانه به‌دوش‌اند.

ارگان‌های دولتی که به نحوی در طول این ۱۰ سال با آنها سرس و کلاه داشته‌اند، دارند. بیشتر از همه از شهرداری منطقه شاکي هستند که کمکی به آنها نمی‌کند. خانم‌ها که این روزها کم کم باید خود را

سعید لیلاز>



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....